

اینجا بود که روان بشری به معنایی عالی تر ژرفا یافت و شریرا شد. و این آن دو وجه اساسی است که انسان بدان‌ها بر دیگر جانوران برتری تاکنونی را یافته است!

## ۷

از همین می‌توان پی برد که شیوه‌های ارزشگذاری دینیارانه چه آسان می‌توانند از شیوه‌های شهسوارانه-مهان‌سالارانه شاخه بگیرند و سپس به ضد آن بدل شوند. و این بویژه هنگامی روی می‌دهد که کاست دینیاران با کاست جنگاوران به یکدیگر رشک برند و رویاروی یکدیگر قرار گیرند و سرآستی با یکدیگر نداشته باشند. پیش‌انگاره‌ی ارزشداوری‌های شهسوارانه-مهان‌سالارانه داشتن تن نیرومند است و تندرستی روزافزون و پُربار و سرشار، همراه با آنچه پاینده‌ی آن است، یعنی جنگ و ماجراجویی و شکار و رقص و بازی‌های رزمی و، در کل، هر آنچه کار-و-کوشش پُرنیرو و آزادانه و شادخوارانه در بر داشته باشد. اما ارزشگذاری‌های دینیارانه-والاتباران، چنانکه دیدیم، پیش‌انگاره‌هایی دیگر دارند: آنجا که پای جنگ در میان باشد آنان باخته‌اند! چنانکه می‌دانیم، دینیاران بدترین دشمنانند. چرا؟ زیرا که کم‌زورترین مردمان‌اند: و به دلیل کم‌زوری‌شان است که نفرت در ایشان به هیولوارترین و ترسناک‌ترین و معنوی‌ترین و زهرآگین‌ترین اندازه‌ها می‌بالد. بزرگ‌ترین نفرت‌ورزان در تاریخ جهان هواره دینیاران بوده‌اند؛ همچنین زیرک‌ترین‌شان. در برابر جان‌کین‌خواه دینیاران دیگر جان‌ها چیستند! بی آن جانی که کم‌زورترینان در میان آورده‌اند، تاریخ بشر

چیزی سراسر احمقانه می‌بود. یگراست به سراغ بزرگ‌ترین نمونه برویم. جی‌ست تمامی بلاهایی که بر روی زمین بر سر «الاتباران» و «قدرتمندان» و «سروران» و «فرمانروایان» آورده‌اند، در برابر آنچه یهودیان با ایشان کرده‌اند! یهودیان، این قوم دینیار، که در برابر دشمنان و فاتحان خویش سرانجام خرسند بدان شدند که با معنوی‌ترین صورت کین‌خواهی ارزش‌های آنان را از ریشه زیر و زبر کنند. چنین کاری تنها درخور قومی دینیار بود؛ قومی با واپس‌زده‌ترین کین‌خواهی دینیاران. این یهودیان بودند که با بی‌گیری ترس‌آوری به خود جسارت دادند تا معادله‌های ارزشی مهان‌سالارانه (نیک = والا = توانا = زیبا = شادان = خداپسند) را واژگون کنند و با دندان‌های مفاکسی‌ترین نفرت، نفرت کم‌زوران، به آن بچسبند. یعنی اینک [بگویند،] «نیکان همانا نگون‌بختان‌اند؛ نیکان همانا تهی‌دستان‌اند و ناتوانان و فرودستان؛ اهل ایمان همانا رنج‌برندگان‌اند و محرومان و بیاران و زشتان؛ آمرزیدگان همانا اینان‌اند و آمرزیدگی ایشان را ست و بس... و اما شما، شما والاتباران و قدرتمندان، تا ابد شریران‌اید و ستمگران و شهوت‌پرستان و چشم‌و-دل‌گرسنگان و بی‌خدایان و دوزخیان و نفرینیان و لعنتیان!» - و می‌دانیم چه کس این واژگونی ارزش‌ها به دست یهودیان را به ارث برد. درباب این پیشگامی عظیم و بی‌نهایت سرنوشت‌ساز یهودیان از راه این بنیادی‌ترین فراخوان به جنگ، آن گزاره‌ای را به خاطر می‌آورم که در فرجه‌ای دیگر به آن رسیده بودم (فراسوی نیک و بد، ص ۱۱۸) و آن اینکه با یهودیان قیام اخلاقی بردگان آغاز می‌شود؛ قیامی با تاریخی دوهزارساله در پس پشت؛ و دیگر آن را از آنرو به چشم نمی‌توانیم دید که - پیروز شده است...